

دونالد ترامپ نخستین رهبر خارجی نیست که در رویارویی با ایران مغلوب شده است

از روم تا آمریکا

شکست تاریخی دوباره تکرار شد

جان لیمریت، دیپلمات بازنشسته، رمان نویس و استاد دانشگاه، در مقاله‌ای با عنوان «با ایران مشکل دارید؟ از رومی‌ها بپرسید» در نشریه Responsible Statecraft، با نگاهی به چهار شکست تاریخی امپراطوری روم در برابر ایران (امپراتوری پارس)، به بررسی اشتباهات محاسباتی قدرت‌های بزرگ در مواجهه با ایران پرداخته است. لیمریت که از آخرین دیپلمات‌هایی بود که پیش از انقلاب اسلامی در ایران خدمت کرد و آثار متعددی درباره تاریخ و سیاست ایران نوشته است، معتقد است تجربه روم باستان نشان می‌دهد غرور نظامی، اطلاعات نادرست، نادیده گرفتن شرایط جغرافیایی و تصور فروپاشی سریع حکومت

دیدگاه

جان لیمریت

مسئول سابق میز ایران در وزارت خارجه آمریکا

دونالد ترامپ نخستین حاکم خارجی نیست که پس از آغاز یک عملیات نظامی نسنجیده علیه ایران، با پیامد های ناگوار روبه‌رو شده است. دست‌کم چهار نفر از اعضای حکومت سه‌نفره روم و امپراطوران این امپراطوری که تحت تأثیر غرور، خودبزرگ‌بینی و ناگاهی قرار داشتند، حملات نظامی علیه ایران باستان (امپراطوری پارس) را آغاز کردند؛ حملاتی که همگی با شکست و فاجعه پایان یافت. در هر یک از این شکست‌های تاریخی، درس‌هایی نهفته است که برای دوران کنونی نیز قابل توجه و آموزنده است.

کراسوس؛

بازنیگری در یک تراژدی یونانی

در سال ۵۲ پیش از میلاد، مارکوس لیسینیوس کراسوس، از اعضای حکومت سه‌نفره روم (تریوم‌ویرات) و از ثروتمندترین مالکان و سرمایه‌داران املاک روم، برای کسب افتخارات نظامی هم‌سطح با دو هم‌پیمان خود ژولیوس سزار و پومپه، لشکرکشی به امپراطوری اشکانی (پارتیان) را آغاز کرد. بر اساس روایت پلوتارک، کراسوس توصیه متحد ارمنی خود، شاه آرتاواکسوس را نادیده گرفت. پادشاه ارمنستان به او پیشنهاد کرده بود که سپاهش را از سوریه و از مسیر شمالی ارمنستان وارد قلمرو اشکانیان کند؛ زیرا زمین‌های کوهستانی آن منطقه برای نبرد

پایده‌نظام رومی مناسب‌تر بود. کراسوس که تنها تجربه نظامی اش سرکوب شورش بردگان به رهبری اسبارتاکوس بود، خود را فرماندهای هم‌تراز سزار و پومپه می‌پنداشت. او توصیه آرتاواکسوس را نادیده گرفت و لژیون های خود را مستقیماً از دشت‌های شمال سوریه به سمت شرق و قلمرو اشکانیان هدایت کرد. در نبرد مشهور حران، واقع در شهر حران امروزی در جنوب ترکیه، ارتش اشکانیان نیروهای کراسوس را در زمین‌های باز غافلگیر کرد. سواره‌تیراندازان اشکانی که از برتری تحرک، تجهیزات مناسب و سامانه کارآمد تدارکات برای تأمین مداوم تیر برخوردار بودند، هفت لژیون (بزرگ‌ترین واحد نظامی) رومی را نابود کردند.

بر اساس روایت پلوتارک، اشکانیان کراسوس را کشتند و پیکی سر بریده او را نزد شاه ایران برد؛ پادشاهی که در آن زمان برای جشن ازدواج پسرش با خواهر شاه آرتاواکسوس در پایتخت ارمنستان حضور داشت. گفته می‌شود سر کراسوس در آن مراسم، به عنوان وسیله‌ای نمایشی در اجرای نمایشنامه «پاکوس‌ها» اثر نمایشنامه‌نویس یونانی اورپید مورد استفاده قرار گرفت.

مارک آنتونی؛

شکست خورده از «ژنرال زمستان»

۱۷ سال بعد در سال ۲۶ پیش از میلاد، مارک آنتونی، یکی دیگر از اعضای حکومت سه‌نفره روم (تریوم‌ویرات)، با هدف کسب افتخار نظامی و انتقام شکست روم در نبرد حران، لشکرکشی به امپراطوری اشکانی را آغاز کرد. شاه آرتاواکسوس ارمنستان که بار دیگر موضع خود را تغییر داده و به روم پیوسته بود، از پیشروی آنتونی از طریق قلمرو

چرا غرب به میلیون‌ها سوگوار آیت‌الله خامنه‌ای احترام نمی‌گذارد؟

لحظه اسطوره‌ای یک ملت

تحلیل

حمید دباشی

استاد مطالعات ایران و ادبیات تطبیقی در دانشگاه گلیمیا

همزمان با برگزاری مراسم تشییع پیکر آیت‌الله علی خامنه‌ای در ایران و عراق یک سؤال اساسی مطرح است: چه چیزی به یک مستعمره‌نشین اروپایی این جسارت، ابتذال و بی‌رحمی را می‌دهد که بر فراز قلمرو یک ملت مستقل پرواز کند و رهبر معظم آن را ترور کند؟ توطئه اسرائیل برای ترور آیت الله خامنه‌ای - که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا را با وجود مخالفت شدید آمریکایی‌ها با جنگ علیه ایران، قریب داد تا به آن بپیوندد - تنها آخرین اقدام در یک سنت طولانی و خونین بود، همان‌طور که در رساله پرطمطراق رونن برگمن با عنوان «برخیز و اول بکش» تاریخ مخفی تروهای هفدهم اسرائیل» شرح داده شده است.

آیت الله خامنه‌ای رهبر یک کشور و رهبر معنوی میلیون‌ها مسلمان شیعه بود. اما در بحبوحه اشغال وحشیانه فلسطین، به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها مایلند هر رئیس کشوری را هدف قرار دهند؛ هر شخصیتی را که دشمن مستعمره‌نشینان خود بداند. چه چیز مانع از آن می‌شود که آنها رهبران آینده فرانسه، آلمان، بریتانیا یا حتی ایالات متحده را هدف قرار دهند؟ شکم عمومی کجاست؟ نیویورک تایمز ترور

ایران، همواره از عوامل اصلی شکست مهاجمان بوده است. او با اشاره به شکست کراسوس در نبرد حران، ناگامی مارک آنتونی در لشکرکشی به ایران، اسارت امپراطور والرین توسط شاپور اول ساسانی و شکست ژولیان در تلاش برای تغییر حکومت ایران، تأکید می‌کند که قدرت‌های بزرگ زمانی که توان مقاومت ایران را دست‌کم گرفته‌اند، با هزینه‌های سنگینی مواجه شده‌اند.

به باور نویسنده، این درس‌های تاریخی می‌تواند هشدارى برای رهبران امروز، از جمله دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل باشد چراکه ایران کشوری نیست که بتوان به راحتی آن را شکست داد.

ارمنستان به سوی استان آتروپاتن (آذربایجان امروزی) حمایت کرد اما در جریان این لشکرکشی، کاروان تدارکاتی ارتش روم در حملات اشکانیان از بین رفت و در نتیجه، سپاه آنتونی با کمبود شدید تجهیزات و آذوقه روبه‌رو شد. پس از حمله‌ای ناموفق و بی‌نتیجه به مرکزین استان، یعنی پراسپا (مراغه امروزی)، نیروهای رومی ناچار شدند در سرمای زمستان از مسیر کوهستان‌های آذربایجان و ارمنستان عقب‌نشینی کنند؛ عقب‌نشینی‌ای که به فاجعه انجامید.

در نهایت، مارک آنتونی نه تنها نتوانست انتقام شکست حران را از اشکانیان بگیرد، بلکه این تصمیم نادرست جان حد و د ۳۰هزار سرباز رومی را نیز گرفت.

والرین اسپر؛

ظهور یک قهرمان ملی

حدود ۳۰۰ سال بعد، در اوایل قرن سوم میلادی، دودمان قدرتمند ساسانی جای امپراطوری اشکانی را در ایران گرفت. روم در این مقطع با رقیبی نیرومند روبه‌رو شد: آن‌هم در زمانی که خود گرفتار آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی بود؛ دوره‌ای که در تاریخ با عنوان «بحران قرن سوم» شناخته می‌شود.

در حالی که امپراطوری روم با شورش‌های بی‌درپی نظامی و تغییر مداوم امپراطوران دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اردشیر یکم (۲۲۴ تا ۲۴۲ میلادی) و پس از او شاپور یکم (۲۴۰ تا ۲۷۰ میلادی) بر ایران فرمان می‌راندند. سوریه، ارمنستان و شهرهای مرزی مانند آمد (دیاربکر امروزی در جنوب شرقی ترکیه) به میدان نبرد دو امپراطوری تبدیل شدند.

در میانه قرن سوم، ایران قدرتمند و روم ضعیف برسر کنترل ارمنستان

با یکدیگر رقابت می‌کردند؛ سرزمینی که سال‌ها تحت حکومت اشکانیان قرار داشت. شاپور یکم ابتدا در سال ۲۴۴ میلادی امپراطور روم، گوردیان سوم را شکست داد و جانشین او، فیلیپ عرب (۲۴۴ تا ۲۴۹ میلادی) را وادار کرد خراج بپردازد و از ارمنستان و بین‌النهرین چشم‌پوشی کند. مهم‌تر از همه، شاپور در سال ۲۶۰ میلادی ارتش روم را در نبرد ادسا (اوقشای امروزی در ترکیه) شکست داد و امپراطور والرین را به اسارت گرفت.

اسارت یک امپراطور روم در جهان باستان رویدادی کم‌سابقه و بسیار مهم بود و شاپور می‌خواست این پیروزی به‌درستی جاودانه شود. از همین رو، نقش برجسته‌های متعددی بر صخره‌های ایران (از جمله در نقش رستم) او را در حالی نشان می‌دهند که سوار بر اسب، بر دو امپراطور شکست‌خورده روم، والرین و فیلیپ عرب، پیروز شده است.

ژولیان؛

افسانه تغییر رژیم

در قرن چهارم میلادی، رومیان بار دیگر اشتباهات گذشته خود را تکرار

کردند و این بار با دنبال کردن سیاست تغییر رژیم در ایران. آنان از شاهزاده هرمزد (که در منابع غربی با نام هورمیسداس شناخته می‌شود)، یکی از مدعیان تبعیدی تاج‌وتخت ساسانی و از بستگان شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی)، حمایت کردند.

هرمزد دهه‌ها در قسطنطنیه زندگی کرده بود؛ جایی که با چهره‌های بانفوذ روابط نزدیکی برقرار کرد و به زبان یونانی نیز تسلط یافت. او امپراطور روم، ژولیان (۳۶۰ تا ۳۶۳ میلادی) و حامیان رومی خود را متقاعد کرد که اگر با پشتیبانی نظامی روم به ایران بازگردد، مقاومت حکومت ساسانی به‌سرعت فرو خواهد یاشید، اشراف ایرانی از شاپور رویگردان خواهند شد و او را به عنوان پادشاه جدید خواهند پذیرفت. با وجود نشانه‌های نامساعدی که از آیین‌های قربانی در شهر انطاکیه به دست آمده بود، ژولیان در سال ۳۶۳ میلادی تهاجم به ایران را آغاز کرد.

بر اساس روایت آمیانوس مارسلینوس، سرباز و مورخ رومی که در این لشکرکشی حضور داشت، این عملیات به شکستی سنگین انجامید. برخلاف



پیش‌بینی هرمزد، شهرهای ایران به شاپور وفادار ماندند و دروازه‌های خود را به روی او بستند. ژولیان که نمی‌خواست در محاصره شهرها گرفتار شود، به پیشروی خود تا تیسفون، پایتخت ساسانیان در نزدیکی بغداد امروزی ادامه داد. اما پس از چند نبرد بی‌نتیجه در اطراف این شهر، ناچار شد به سمت شمال عقب‌نشینی کند. او در جریان نبردی در نزدیکی سامرا به‌شدت زخمی شد و اندکی بعد جان باخت. جانشینش، ژولیان نیز عقب‌نشینی ارتش روم را ادامه داد. اما هنگامی که سپاه روم نتوانست از رود دجله عبور کرده و به قلمرو خود بازگردد، ژولیان ناچار شد صلیبی تحقیرآمیز با ایران ساسانی را بپذیرد؛ صلیبی که شباهت زیادی با تفاهم‌نامه اخیر میان ایران و آمریکا دارد.

بر اساس این توافق، در ازای اجازه حمله شهر اهریردی نصیبین (نصیبین امروزی در جنوب شرقی ترکیه) را به ایران واگذار کرد.

درس‌هایی که باید آموخت

یونانی مسلط بود و مدعی می‌شد اگر با حمایت نظامی روم به ایران بازگردد، ایرانیان از او به عنوان یک «ژادکننده» استقبال خواهند کرد. شاید انتظار زیادی باشد، اما آیا امروز نخست وزیر اسرائیل که خود را آشنا و متخصص تاریخ می‌داند و رئیس‌جمهوری آمریکا که خود را یک نابغه نظامی می‌خواند، می‌توانند از این دانش و توانایی برای پرهیز از اشتباهاتی که فرمانروایان روم مرتکب شدند، استفاده کنند؟ آنچه تاکنون رخ داده، نشان می‌دهد ترامپ و نتانیاهو نیز در مواجهه با ایران، همان اشتباهات تاریخی رومیان را تکرار کرده‌اند؛ اشتباهاتی که در گذشته به شکست انجامید و امروز نیز پیامدهای پرهزینه‌ای به همراه داشته است.

مراسم تشییع پیکر شش روزه که قرار بود از تهران و قم در ایران عبور کند، سپس به نجف و کربلا در عراق برود و سپس برای خاکسپاری در مشهد به ایران بازگردد و میلیون‌ها عزادار به او ادای احترام کنند. نیویورک تایمز در تلاشی آشکار برای توجیه حمله مرکبار اسرائیل، رسانه‌های آمریکایی و اروپایی را در تقسیم ایرانیان به «مذهبی» (حامیان حکومت) و «سکولار» (مخالفان) رهبری می‌کند. اما این دوگانه در ایران کار نمی‌کند و هرگز کار نکرده است.

گواه این امر را می‌توان در گفت‌وگوی تصویری قدیمی با یکی از رهبران مذهبی شیعه یافت که از ملاقات خود با محقق فقید محمد حسین طباطبایی، یکی از فرهیخته‌ترین فیلسوفان شیعه قرن بیستم و نویسنده تفسیر ماندگار المیزان، یاد می‌کند.

در اینجا می‌بینیم که چگونه علامه طباطبایی، هنگام گوش دادن به شعری از ایرج میرزا درباره امام حسین (ع) و شهادتش در کربلا، بی‌وقفه گریه می‌کرد و سپس - در کمال تعجب آنها - به دوستانش اعتراف کرد که با کمال میل تمام تفسیر قرآن خود را در ازای همین یک شعر به میرزا خواهد داد. دوستانش گیج شده بودند، چون میرزا به خاطر اشعار طنز بی پروایانه اش بدنام است. طباطبایی با ملایمت پاسخ داد: «بله، می‌دانم؛ من مجموعه آثار او را همین جا در کتابخانه‌ام دارم».

فرهنگ‌های غنی، قدرتمند، زنده و در حال شکوفایی ایرانی و اسلامی - از شعر گرفته تا فلسفه، از ایران باستان گرفته تا فرشیه‌های عظیم تاریخ فکری اسلام - برای بسیاری از رسانه‌های غربی - که این ماه در مراسم تشییع پیکر رهبر بخوانند آنها را برای مخاطبان خود توضیح دهند، سرزمینی ناشناخته است.

منبع: Middle East Eye

جهان

بدون روتوش



محمد محسن فاضلی

کارشناس مسائل فلسطین

سه هفته

بدون تغییر

برای نتانیاهو

تمرکز نتانیاهو روی آیزنکوت است؛ اما رقبای دیگری هم دارد! این عنوان تیتیر مطلب روزنامه اقتصادی گلوبز است. گلوبز بواسطه تسلط و حرفه‌ای بودنش در فضای اقتصاد، جزو رسانه‌های دارای اعتبار و توجه در داخل اسرائیل است. با نزدیک‌تر شدن به فضای انتخابات و پایان دوره تابستانه کنست بیست و پنجم و احتمال برگزاری انتخابات کنست بیست و ششم در روزهای پایانی اکتبر (نیمه آبان ماه) این روزنامه هم وارد فضای انتخاباتی شده و با نظرسنجی‌هایی فضا را می‌سجد.

بر اساس نظرسنجی‌های او وضعیت در سه هفته اخیر تغییر چندانی از منظر بلوک بندی نداشت؛ است: که شکست بزرگی برای نتانیاهوست. زیرا ائتلاف نتانیاهو ۵۴ کرسی و ائتلاف اپوزیسیون نتانیاهو ۶۶ کرسی دارند که البته ۱۰ کرسی آن مربوط به دو حزب عربی است.

اما تغییر مهم در آخرین هفته گذشته این بوده است که حزب یاشار به سرلیستی آیزنکوت با نزدیک‌تر کردن خودش به لیگود به عنوان حزب اول نظرسنجی‌ها، براساس برخی نظرسنجی‌ها مثل کانال ۱۳ و کانال ۱۱ و ۱۳ در عدد ۲۲ با لیگود برابر است.



گلوبز در نهایت با بررسی نظرسنجی‌ها تأکید دارد اگرچه در کرسی احزاب آیزنکوت بواسطه تلاش‌هایش در لیست بندی و جذب افراد توانسته فعال شود، اما کسی که در پاسخ صهیونیست‌ها به گزینه مطلوبشان برای نخست‌وزیری در حال پیشرفت و کاهش فاصله‌ش با نتانیاهوست؛ فتاللی بنت است!

در مجموع نتانیاهو در شرایط مطلوبی نیست و برخی رسانه‌های نزدیک به نتانیاهو قماش کرده‌اند که او در یک خشم و عصبانیت تکرار نشدنی در روزهای اخیر در خصوص موضوع انتخابات است.

چالش نتانیاهو با دیوان عالی برسر اعضای شورای سازمان رادیو تلویزیون که نهاد نظارتی بر رسانه‌هاست در دو سه روز اخیر بر مشکلات و حملات رسانه‌ای علیه نتانیاهو افزوده است.

نتانیاهو و تیم او قصد دارند در یک نزاع کاملاً انتخاباتی اولین تمرر جدی در تاریخ حقوقی اسرائیل از رای دیوان عالی قضایی را به نام خود ثبت کنند. همچنین دیدارهای نتانیاهو با دبوید زینی رئیس شایاک و معاون برگزاری انتخابات که دو محور اصلی برگزاری این رویداد هستند، توجه رسانه‌ها را بر تلاش‌های بی‌سابقه نتانیاهو برای تغییر وضعیت کرسی‌ها جلب کرده و زنگ خطر رقابت سالم را به صدا درآورده است. برخی از رقبای نتانیاهو معتقدند برخی از رقبای نتانیاهو در غزه، ترکیه و حتی ایران تا انتخابات تشدید کند تا سید آرائی را دهنده به آیزنکوت که طبقه سکولار متوسط امنیت محورند، به نسخه تندروتری لیکود و نتانیاهو برگردند.